



۱۱ نوامبر، ۲۰۲۴

از منابع دیگر

تاریخ حافظه قوی دارد...

قسمت هژدهم

هر ساله وقتی به دهه سوم ماه دلو میرسیم ناخود آگاه افشار کابل و آن جنایت هولناک انجام شده به ذهن انسان بازتاب پیدا میکند، بازتاب آن واقعه خونین پس از ۱۵ سال شاید بدین جهت باشد که عاملین این فاجعه هنوز زنده اند و هنوز باکمال بیشرمی یا بر سر قدرت دولتی و در پارلمان هستند و هم حکومت‌های محلی خودشان را اداره میکنند و هنوز حرف اول و آخر را میزنند هر گاه چهره این خونخواران و جاه طلبان در تلویزیون و رسانه‌ها به نمایش گذاشته میشود و حرف و حدیث از اینان نقل میشود نه تنها فاجعه افشار بلکه چهار سال جنگ خونین داخلی مخصوصاً در کابل اذهان را می‌آزارد.

متأسفانه این بت‌های متحرک هنوز در بین تعداد از کاسه لیسان جایگاه خودشان را دارد و این کاسه لیسان از منبر دین و مذهب و از تریبون قومی و زبانی مردم را مجبور به بیعت و حمایت میکنند و مردم نیز ناآگاهانه به این کاسه لیسان عمامه پوش و شعار دهندگان حقوق قومی و زبانی لبیک میگویند و اعلام همبستگی میکنند، هرچند مسئله حق و حقوق قومی و زبانی و مذهبی به گذشته‌های بر می‌گردد که قومی بر اقوام دیگر سده‌های متمادی حکومت جابرانه داشتند و حقوق‌شان را پایمال کردن و امروز نیز تلاش برای عرض اندام کردن و برتری در تمام عرصه‌های اجتماع مشاهده میشود از اداره جات دولتی گرفته تا نمایندگی از مردم در پارلمان و موسسه‌ها و مراکز فرهنگی و انجمن‌های خارجی و داخلی که به وضوح مشاهده میشود.

از موضوع دور نشویم، قتل عام ساکنین افشار بزرگترین داغ بر پیشانی آنانی است که الله اکبر گویان دستور و فتوا صادر کردند و سگان گرسنه و درنده خوی شانرا به جان مظلومین و بیگناهان ساکنین این منطقه انداختند که عمدتاً شیعه و هزاره بودند و بر زنان و دختران شان تجاوز و مردان را تیر باران نمودند. حتا تعدادی از جوانان اسیر شده بدست نیروهای اتحاد اسلامی نیز به متعصبین فروخته شده و در هلمند به جرم کافر بودن حلال شدند.

صدیق چکری شخصی که وکیل حقوقی این جانیان محسوب میشود و گاهگای در پرده تلویزیون ها ظاهر میشود در یکی از مصاحبه با بی حیایی تمام اظهار میکند که : هیچ مدرک دال بر اینکه کسی جنایتی را انجام داده باشد وجود ندارد و اگر کسی هم شکایتی دارد آزاد است تا شکایت خودش را مطرح کند.

سوال اینجاست که چه مدرک بالاتر از جنایات انجام شده در کابل و مخصوصا فاجعه افشار که هنوز پس از ۱۵ سال بوی باروت و خون در این ساحه به مشام میرسد و هنوز خانه های مردم که روزگاری هزاران خانواده در آن به آرامش بسر میبردند همچنان خرابه باقی مانده است که خود گویای این جنایات است. ساکنین اصلی این منطقه آنانی که زنده ماندن و توانستند فرار کنند هنوز در یک شوک ذهنی زندگی میکنند و جرات نمیکند تا قدم در این ساحه بگذارند چون هنوز این فاجعه را از یاد نبرده است و مثل یک کابوس در ذهنشان جا گرفته است.

این شخص (صدیق چکری) خوب میداند هیچ مرجع وجود ندارد تا به چنین شکایاتهای رسیدگی کند و اگر هم وجود میداشت با موجودیت و در قدرت بودن این اوباشان دینی و قومی و زبانی کسی جرات مطرح کردن شکایت را نخواهد داشت.

آقای ملا مارشال فهیم به تاریخ ۲۰۰۷/۹/۸ در تلویزیون آریانا تعجب خویش را از مردم چنین اظهار میکند: که ما انتظار داشتیم مردم کابل از ما خوش و راضی میبودند به خاطر که رژیم نجیب را از هم پاشانیدیم و یک حکومت اسلامی را بنا کردیم اما در سال ۱۳۷۳ و ۷۲ مردم به مجاهدین میگفتند که خدا اینهارا گم کند که تا طالبان بیاید و آرامش برقرار شود.

ملا فهیم انتظار داشت تا مردم اینان را پس از فجایع که انجام دادند و از مسوولین درجه یک حوادث خونین کابل است باز هم مردم اینهارا در قلبهایشان جا میداد و این خود پسندی و خود کامگی این جنایات کارانرا نشان میدهد که آنچه انجام داده اند بی تردید عملی مثبت بوده است.

آقای استاد سیاف خونین ترین چهره وحشت و دهشت از اینکه مسبب چنین وقایع هولناک شناخته میشود هرگز عملش را در طی مصاحبه های خویش عمل غیر انسانی نمیداند و آنچه کرده است جهاد در راه خدا و یک عمل اسلامی و به نفع جامعه قلمداد میکند و اظهار میدارد که این ادعاها تهمت و دسیسه یست که علیه مجاهدین و اسلام صورت میگیرد. شاید عمل این استاد بزرگوار را بشود به آن وجه اسلامی و جهاد در راه خدا داد و دانست چون خود استاد علوم اسلامی هستند و فارغ تحصیل شونخی های اسلامی کشورهای عربی چون مصر، اما تاریخ این گرده سواریهها گذشته است و نسل امروز نسل قبل نیست.

آقای آیت الله محسنی که کمتر مورد توجه سازمان های حقوق بشر است و ظاهرا شخص خودش دخالت مستقیم در این فاجعه نداشته است اما حزب وی (حرکت اسلامی) و شخص آقای سید

حسین انوری یکی از رهبران این حزب و والی فعلی هرات، همکاری و دست داشتن شان را در فجایع افشار نمیشود نادیده گرفت فروش بخشی از مناطق حساس نظامی و حضور شان در آن روز سوم و پس از تصرف و قتل عام کردن مردم افشار در هوتل انترکانینتل در بزم پای کوبی سیاسی که شورای نظار آرسته بود و شرکت تعدادی دیگر از رهبران و ملایان، شیوخ و اساتید بزرگوار پای کوبی سیاسی و رقص سماوی راه انداخته بودند و برای فتح و خونریز در افشار ندای الحمدالله شکرناالله سر دادند و نماز شکر بجا آوردند. و اما همزمان در افشار سگان درنده خوی این احزاب و رهبران که در بزم خویش لبخند فتح بر یکدیگر تقدیم میکردند همچنان به قتل، تجاوز و غارت مشغول بودند. این کابوس تا آنزمان در اذهان باقی خواهد ماند که دستان خونین این جنایات کاران با دستبند قانون حلقه آویز شود و حضور فزیکیشان به جای منبر، چوکی در مسجد و پارلمان و دولت، در جایگاه مجرمین در دادگاه عدالت و انصاف دیده شود.

سند ارتباط والی فعلی هرات سید حسین انوری در جنایات افشار:

کابل پرس: ²سندی را که می خوانید، نشان دهنده ی آگاهی و ارتباط جناب آقای حسین انوری والی فعلی هرات، در تراژدی افشار می باشد. در جنایات افشار که در ماه دلو ۱۳۷۱ بوقوع پیوست، ده ها کودک، زن و مرد به وحشیانه ترین شکل ممکن کشته شدند. همچنین این تراژدی نشان دهنده ی چند نوع جنایت می باشد که با توجه به اساسنامه ی دادگاه بین المللی جزایی چنین دسته بندی شده است:

۱: جنایات علیه بشریت ۲: جنایات جنگی ۳: جنایات تجاوز البته شایان ذکر است که جنایات نسل کشی که در این اساسنامه ذکر شده نیز می تواند بگونه ای مصداق پیدا کند. به این دلیل که بسیاری از ساکنان افشار شهر کابل پس از این جنایات و در جریان آن، ناچار شدند که مکان زندگی خود را ترک کنند و اکنون خانه ها و زمین های آنان توسط افراد دیگر تصرف شده است.

افغانستان در تاریخ دهم فبروری سال ۲۰۰۳ اساسنامه ی دادگاه را امضا کرد. همچنین از آنجایی که جرایم ذکر شده در اساسنامه ی دادگاه مشمول مرور زمان نمی شود، این دادگاه می تواند به تراژدی افشار رسیدگی کند. این نکته هم لازم به ذکر است که منبع کابل پرس که اسناد کامل این تراژدی را در اختیار کابل پرس قرار داده، نمی خواهد نامش فاش شود. وی که یکی از قربانیان این تراژدی می باشد در گزارشی مفصل نام و مشخصات تمام قربانیان و همچنین عاملان آن را با نام و مشخصات کامل ارسال کرده است. کابل پرس با بررسی شرایط امنیتی و آگاهی دادگاه بین المللی جزایی و نیز سازمان های مدافع حقوق بشر، این اطلاعات را منتشر خواهد

کرد. در ضمن لازم باید گفت که کابل پرس درباره ی هرگونه جنایت علیه بشریت و موارد نقض حقوق بشر خاموش نخواهد بود و این تصمیم فرتر از این است که عاملان جنایت از هزاره، تاجیک، پشتون و یا هر قوم و نژاد دیگر باشد. همچنان که درباره ی فلم کابل اکسپرس، که جنجال زیادی براه انداخته معتقدیم که در این فلم به مردم هزاره که بخشی از جامعه ی افغانستان می باشد، توهین شده است، اما این به این معنا نیست که رهبران جهادی سابق از این قوم از پرسش و محاکمه ی درباره ی جنایات احتمالی و نیز اتهامات وارده از سوی نهادهای حقوق بشر، مصون باشند.

ادامه دارد